

مفهوم‌شناسی جرائم ناشی از نفرت در سیاست کیفری ایران و آمریکا

مصیب قدمی عزیزآباد^۱، سید ابراهیم قدسی^۲، آزاده صادقی^۳

چکیده

مفهوم‌شناسی جرائم ناشی از نفرت، نخستین گام در سیاست‌گذاری در حوزه این جرائم به منظور پیشگیری از وقوع آن‌ها و تدوین قوانین و مقررات مقتضی است. در واقع شناخت این جرائم نه تنها از باب غیر قابل انکار بودن، بلکه به دلیل تعیین خطی‌مشی سیاست‌گذاران و نیز شناخت قربانی و دیگر کنش‌گران دخیل در آن، موضوعی کلیدی در تدوین سیاست‌ها و پاسخ‌گذاری‌های رسمی و غیر رسمی است. در این مقاله، به روش تحلیلی توصیفی مفهوم جرم ناشی از نفرت در دایره سیاست‌گذاری دو کشور ایران و آمریکا به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. هم‌چنین سعی شده است مفهوم موجود و بایدهای مفهومی این جرائم مورد تحلیل قرار گیرد. مفهوم این جرائم در هر دو کشور نتیجه گفت‌وگوهای سیاسی و پیشینه تاریخی جنش‌ها، فعالیت‌ها و رخداد‌های مختلف علیه گروه‌های دارای ویژگی متفاوت از دیگران است و از آنجایی که تدوین قوانین و دیگر سیاست‌ها راجع به این جرائم در ایران سابقه کمی دارد، به نسبت مفهوم آن در آمریکا از پختگی و توان جریان‌سازی کمتری در عرصه سیاست‌گذاری کیفری برخوردار است. افزون بر این، دایره محدود این جرم در حوزه سیاست‌گذاری ایران، امکان حمایت از قربانیان این جرائم را کم می‌کند؛ در حالی که مفهوم ارائه شده از این جرائم در ایالات متحده، مفهومی گسترده، قربانی‌محور و دارای ظرفیت مناسب برای بهره‌برداری سیاست‌گذاران است.

واژگان کلیدی: مفهوم‌شناسی جرائم ناشی از نفرت، سیاست کیفری ایران و آمریکا، اقلیت‌ها.

-
۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)
mosayeb.ghadami@yahoo.com
۲. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی و استاد دانشگاه مازندران
ghodsi@umz.ac.ir
۳. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی و استادیار دانشگاه مازندران
sadeghiazade@yahoo.com

درآمد

مفهوم‌شناسی^۱ در تمامی علوم به دلیل این‌که پایه و اساس تأمل و شناخت پدیده‌هاست، بسیار مهم و در عین حال دشوار است. در علوم اجتماعی و به‌ویژه حقوق، به دلیل این‌که نقطه ثقل مفهوم‌شناسی موضوع انسان و روابط بین انسان‌ها است به مراتب پیچیده‌تر می‌باشد. در علوم اجتماعی چون حقوق برخلاف علوم تجربی که مفاهیم مطلق و نوعی هستند، وجود گستره مفاهیم تابعی از شرایط حاکم در مکان و زمان می‌باشد؛ به عبارتی دیگر، مفاهیم در بستر اصل نسبی بودن آن شناخته می‌شوند؛ به این معنی که با وجود آن‌که از حیث لغت‌شناسی، واژگان یکسانی داریم، اما منطوق در علوم اجتماعی ممکن است مفاهیم متفاوتی از منظر کمیت و کیفیت داشته باشد.

در حقوق کیفری، جرم بودن یا نبودن یک رفتار از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و به قول پاسکال «حقیقت در این سوی کوه‌های پیرنه، دروغ در آن سو است» (کسن، ۱۳۸۷: ۱۸). در مورد جرم ناشی از نفرت^۲ که عبارت است از هرگونه رفتار مجرمانه‌ای که با انگیزه نفرت از هویت‌های محافظت‌شده یا جوامع اقلیت انجام می‌گیرد (Office for Democratic Institutions and Human Rights, 2009). این نسبیت‌گرایی در تعریف به مراتب از سایر جرائم بیشتر می‌باشد؛ چرا که آن عاملی که موجب جرم‌انگاری این رفتار شده است، در مقایسه با دیگر جرائم که مبنایی همه‌گیر و یکسان دارند، یک عامل سلیقه‌ای و فرمایشی است. در جرائم دیگر بدنه حکومت‌ها و قوه مقننه غالباً در جرم‌انگاری متفق‌القول هستند؛ چرا که مبنای جرم‌انگاری در آن جرائم را یک مبنای همه‌شمول و برخاسته از نظر تمام اجتماع می‌دانند؛ در حالی که جرم‌انگاری و تعیین گستره جرائم ناشی از نفرت، به عواملی

1. conceptology
2. the principle of relativity
3. hate crimes

آن چیزی که وجه تمایز این جرائم با جرائم سنتی است، نفرت موجود در این جرائم است (Naidoo, 2016: 54). در واقع نفرت در دیگر جرائم «نفرتی خودساخته» است، ولی در جرائم ناشی از نفرت با یک «نفرت ساخت شده» مواجه هستیم؛ به این معنی که فرد مجرم بدون آن‌که شخصاً احساس تنفیری نسبت به قربانی جرم داشته باشد، به دلیل این‌که قبلاً راجع به قربانی و گروهی که وی به آن متعلق است نفرتی وجود داشته است مرتکب جرم می‌شود.

چون نوع نظام حکومتی، سابقه تاریخی، گروه‌های فشار، جنبش‌ها و ... بستگی دارد و تاحدودی در تمامی جوامع از پشتوانه متقنی برخوردار نیست.

هدف از شناخت مفهوم این جرم، تعیین خط مشی سیاست‌گذاران است؛ به این معنی که سیاست‌گذاری مستلزم شناخت و شفافیت مفهومی پدیده‌هاست و از آنجایی که «نفرت»^۱ یک مفهوم مبهم است و قرابت معنایی با واژگانی چون خشم و تعصب دارد، باعث پیچیدگی و استفاده دشوار از این مفهوم در سیاست‌گذاری می‌شود (Mason-Bish, 2015: 75). هم‌چنین شناخت قربانی جرائم ناشی از نفرت به دلیل داشتن تفاوت‌هایی که موجب گردیده «دیگری»^۲ تلقی شود از حیث سیاست‌گذاری حائز اهمیت می‌باشد. در واقع پیچیدگی مفهومی جرائم ناشی از نفرت و ابهام در شمول و معنای واژه نفرت، پیامدهای مهمی در درک این جرم و نیز شناساندن افراد کنش‌گران مرتبط با آن از قبیل گروه‌های حامی قربانی و مرتکب، نظام عدالت کیفری و ... دارد (چاکرابورتی و گارلند، ۱۴۰۲: ۱۸)؛ به این نحو که بدون شناخت درست قربانی این جرائم، امکان تدوین سیاست‌های پیشگیرانه وجود ندارد و حمایت از گروه‌های «در فهرست (شُرُف) قربانی شدن» نیز امکان‌پذیر نیست.

از آنجایی که «جرم (البته به جز جرائم طبیعی) به عنوان یک برساخت اجتماعی^۳ تلقی می‌شود» (میرمجیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۰) و ساخته و پرداخته ذهن انسان بر اساس شرایط زمانی و مکانی است، مفهوم جرم ناشی از نفرت نیز که مصداقی از جرم است غالباً برساخته ذهن انسان است و وجودی ثابت و عینی در خارج از ذهن بشر ندارد؛ به همین دلیل مفهوم این جرم به عنوان یک برساخت اجتماعی (Schweppe, 2021: 11) شناخته شده است. نکته قابل ذکر این است که تغییر عوامل تأثیرگذار بر یک مفهوم موجب تغییر مفهوم می‌شود و گاهی این شرایط موجب وجود یا عدم این مفهوم می‌شوند (شیخ رضایی، ۱۴۰۰: ۴۱۴). «در چارچوب برساخت‌گرایی اجتماعی، فرایندهای اجتماعی در مفهوم‌سازی‌مان از جهان، از خودمان و دیگر واقعیات دخیل هستند» (شیخه و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۲)؛ با این

1. hate

2. outsider

3. social construction

حال مطابق نظریه‌های ذات‌گرایانه^۱ برخی از مصادیق جرم ناشی از نفرت مانند قتل و توهین به دلیل طبیعت یکسانی که دارند در تمامی جوامع فارغ از شرایط اجتماعی قابل تصور هستند؛ لذا مفهوم این جرم با توجه به مصادیق آن می‌تواند تابع شرایط اجتماعی جوامع یا مطابق طبیعت تغییرناپذیر آن باشد.

مفاهیم حقوقی^۲ غالباً توسط نویسندگان و متخصصان حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرند و در ادامه قانون‌گذاران و دیگر سیاست‌گذاران به این مفاهیم صبغه رسمی و قانونی می‌دهند. در این مقاله سعی شده است مفهوم جرائم ناشی از نفرت با روش تحلیلی توصیفی و از طریق تطبیق مفاهیم علمی و رسمی این جرم در نظام حقوقی ایران با نظام حقوقی آمریکا که در زمینه به رسمیت شناختن جرائم ناشی از نفرت پیشگام می‌باشد و جریان‌ها و جنبش‌های متعددی را برای مفهوم‌سازی این جرائم تجربه نموده است مورد بررسی قرار گیرد تا نقاط ضعف و قوت این مفهوم‌شناسی در این دو نظام حقوقی آشکار شود و عوامل دخیل در مفهوم‌سازی آن مورد شناسایی قرار گیرد. نکته‌ای که در این پژوهش تطبیقی باید مورد توجه قرار گیرد این است که بین این دو نظام حقوقی در احترام گذاشتن به اقلیت‌ها، افراد و گروه‌های دارای ویژگی، تفاوت تاریخی وجود دارد؛ به این معنی که تاریخ درخشان کشورمان که «تاریخ ترکیب و تلفیق و ادغام اقوام، ادیان، زبان‌ها و فرهنگ‌ها و تحمل و همزیستی آن‌ها با همدیگر است» (صدرالاشراقی، ۱۳۸۶: ۱۰) همواره در پی وصل کردن و نزدیک کردن افراد و گروه‌های دارای ویژگی متفاوت بوده است. از طرفی در نظام حقوقی آمریکا سابقه طولانی برده‌داری و تبعیض بین سیاهان با سفیدپوستان، ایالات جنوبی با ایالات شمالی موضوعی است که سیاست‌گذاران را در جهت تدوین قوانین منسجم و حامی ویژگی‌های متفاوت در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی اقلیت‌ها و گروه‌های دارای تفاوت ترغیب نموده است؛ بنابراین تطبیق این دو نظام حقوقی ناظر بر نظم حقوق حاکم فعلی بر جرم ناشی از نفرت می‌باشد. در نظام حقوقی ایران با وجود این که در قوانین و مقررات مختلفی^۳ رفع تبعیض مورد نظر قانون‌گذار قرار

1. essentialism

2. legal concepts

۳. مانند اصول متعددی از قانون اساسی از قبیل اصول دوم، سوم، نوزدهم و بیستم، ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸.

گرفته و سیاست حمایت از اقلیت‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است، اما غیر از چند مقرر قانونی محدود، که اخیراً تصویب شده، اراده‌ای جدی بر به رسمیت شناختن گسترده‌تر مؤلفه‌های جرائم ناشی از نفرت وجود نداشته است.

پرسشی که این پژوهش در پی پاسخ دادن به آن است، شاخصه‌های مفهومی و عوامل دخیل در تعیین مفهوم جرائم ناشی از نفرت است که طی دو مبحث با عنوان شاخصه‌های مفهومی و گزاره‌های مفهوم‌ساز جرائم ناشی از نفرت مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. شاخصه‌های مفهومی جرم ناشی از نفرت در دو نظام حقوقی ایران و

آمریکا

مهم‌ترین شاخصه‌های مفهومی جرم ناشی از نفرت در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا، در دو عنوان شاخصه‌های قانونی و شاخصه‌های علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. شاخصه‌های قانونی

۱-۱-۱. مؤلفه‌های مورد حمایت

یکی از وجوه تمایز بین مفاهیم قانونی ارائه شده در نظام‌های حقوقی، محدود یا گسترده بودن مؤلفه‌های مورد حمایت (ویژگی‌های متفاوت) است؛ به این معنی که تعداد این مؤلفه‌ها می‌تواند بیان‌گر میزان تلاش سیاست‌گذاران کیفری در جهت حمایت از گروه‌ها و افراد دارای ویژگی متفاوت باشد. شناسایی این مؤلفه‌ها در قوانین، تابعی از جریان‌های تاریخی کشورهاست. ارتکاب رفتارهایی با شمایل جرم ناشی از نفرت در ایالات متحده آمریکا گرچه سابقه طولانی دارد، اما از ابتدا تحت عنوان جرم ناشی از نفرت شناسایی نشده است (Shattuck, Risse, 2021: 4). اتحادیه ضد افترا^۱ به عنوان یک مؤسسه غیر انتفاعی که در سال ۱۹۱۳ میلادی تأسیس شد، نقش پررنگی در وضع مقررات ضد نفرت داشته، اما تعریفی از این جرم را ارائه ننموده است (لوئیس، ۱۳۹۹: ۴۵-۴۶). جنایاتی چون خشونت گسترده توسط کوکلاکس کلان^۲، نسل کشی بومیان، برده‌داری و نژادپرستی از مدت‌ها قبل در ایالات

1. anti-defamation league (ADL)

۲. Ku Klux Klan - یک سازمان نفرت‌آمیز در ایالات متحده که از ترور برای پیشبرد اهداف برتری نژادی سفید خود استفاده می‌کند (The Editors of Encyclopaedia Britannica, 2025).

متحدہ ارتکاب یافته است (بـتـریـج، ۱۴۰۰: ۲۷-۳۰) با وجود این که تصویب برخی قوانین ایالتی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی را می توان قوانین مرتبط با جرم ناشی از نفرت تلقی نمود (Shively, 2005, i) و برخی نیز معتقدند که مفهوم این جرم اولین بار در دهه ۱۹۷۰ در آمریکا مطرح شده است (Roberts and et all, 2013: 15)؛ با این حال جرم ناشی از نفرت به عنوان یک برساخت اجتماع فرهنگی و مصداقی از تخلف کیفری در اواسط دهه ۱۹۸۰ مورد توجه قرار گرفت (لوئیس، ۱۳۹۹: ۳۸).

ایالات متحده آمریکا به دلیل پشت سر گذاشتن جنبش های مختلفی چون جنبش زنان و جنبش قربانیان جرائم ناشی از نفرت شاهد شکل گیری گفتمان تمرکز بر جرم ناشی از نفرت به عنوان یک مشکل اجتماعی بوده است (Krouse, 2009: 7) و همین توجه و تمرکز بر مسأله جرم ناشی از نفرت موجب گردیده است که این جرم علاوه بر داشتن گستره ای رو به رشد، از پویایی مفهومی لازم برخوردار باشد. اولین قانون فدرال در مورد جرائم ناشی از نفرت قانون حقوق مدنی ۱۹۶۸^۱ (ماده ۲۴۵ از عنوان ۱۸ کد (مجموعه قوانین) ایالات متحده آمریکا) است، این قانون با وجود اینکه تعریفی از این جرم ارائه نداده است و تحقق آن را منوط به درگیر بودن قربانی در انجام فعالیت های تحت حمایت فدرال^۲ دانسته است، لیکن در قسمت ۱۰۱ از عنوان اول این قانون مؤلفه های نژاد، رنگ، مذهب و ملیت به رسمیت شناخته شده است. دومین قانون راجع به جرائم ناشی از نفرت قانون آمار جرائم ناشی از نفرت^۳ مصوب ۲۳ آوریل ۱۹۹۰ است که جرم ناشی از نفرت را چنین تعریف کرده است: «جرائمی که دلایلی مبنی بر پیش داوری بر اساس نژاد، مذهب، گرایش جنسی یا قومیت را نشان می دهند» (بخش ۵۳۴ عنوان ۲۸ کد ایالات متحده آمریکا). در این قانون مؤلفه های جدیدی چون گرایش جنسی و قومیت به گستره جرائم ناشی از نفرت اضافه گردید. قانون بعدی که جرم ناشی از نفرت را مورد شناسایی قرار داده است قانون کنترل جرائم خشونت آمیز و اجرای قانون ۱۹۹۴^۴ است، در قسمت اول

1. Civil Rights Act of 1968

۲. منظور فعالیت های از قبیل رأی دادن، حضور در دادگاه، تحصیل در مدارس و دانشگاه است.

3. Hate Crime Statistics Act

4. Violent Crime Control and Law Enforcement Act 1994

بخش ۲۸۰۰۰۳ این قانون در تعریف این جرم آمده است که: «جرم ناشی از نفرت به جرمی گفته می‌شود که در آن متهم، قربانی را به صورت عمدی انتخاب می‌کند؛ یا در مورد جرائم علیه اموال، مالی را که موضوع جرم قرار می‌گیرد، به این دلیل انتخاب می‌کند که قربانی یا مالک آن مال دارای نژاد، رنگ پوست، مذهب، منشأ ملی، قومیت، جنسیت، ناتوانی [جسمی و ذهنی] یا گرایش جنسی واقعی و مفروض خاصی است.» در این قانون دو مؤلفه ناتوانی و جنسیت به دایره جرائم ناشی از نفرت در ایالات متحده اضافه گردید. اداره تحقیقات فدرال^۱ نیز در تعریفی از این جرم بیان داشته است که «جرم علیه یک شخص یا دارایی که به طور کلی یا جزئی با انگیزه تعصب علیه یک نژاد، مذهب، ناتوانی، گرایش جنسی، قومیت، جنسیت یا هویت جنسی است» (Han, et al, 2023: 3515). در این تعریف مؤلفه‌های نژاد، مذهب، ناتوانی، گرایش جنسی، قومیت، هویت جنسی و جنسیت مورد پذیرش قرار گرفته است.^۲ پس از قتل متیو شپرد^۳ در اکتبر ۱۹۹۸ که یک فرد دارای گرایش جنسی خاص بود و قتل جیمز برد جونور^۴ در ژوئن ۱۹۹۸ که یک فرد سیاه‌پوست بود، فشار رسانه‌ها و جنبش‌های حقوق بشری در حمایت از حقوق اقلیت‌ها موجب گردید محدودیت‌های قوانین موجود در حمایت از برخی اقلیت‌ها نمایان شود (Boram, 2016: 344). در چنین شرایطی قانون پیشگیری از جرایم ناشی از نفرت متیو شپرد و جیمز برد جونور^۵ در سال ۲۰۰۹ تصویب شد. در این قانون دامنه مفهومی جرم ناشی از نفرت گسترش پیدا کرد؛ به نحوی که علاوه بر اضافه شدن مؤلفه‌هایی چون گرایش جنسی و هویت جنسی در این تعریف، منشأ ملی واقعی و تصور شده و نژاد اعم از واقعی یا تصور شده به تعریف جرم ناشی از نفرت اضافه گردید. در واقع کنگره ایالات متحده مبنای تصویب این قانون را بخش ۵ متمم چهاردهم (حمایت یکسان قوانین از شهروندان) و بخش ۲ متمم سیزدهم (لغو برده‌داری و بندگی به جز به عنوان کیفر جرائم) و متمم

1. Federal Bureau of Investigation

۲. این تعریف گرچه ممکن است از جانب سیاست‌گذاران مورد توجه قرار گیرد خصوصاً در مقوله پیشگیری از وقوع جرم، اما از آنجایی که قانون محسوب نمی‌شود نمی‌تواند ملاک دادگاه‌ها قرار گیرد.

3. Matthew Shepard

4. James Byrd, Jr.

5. Matthew Shepard and James Byrd Jr. Hate Crimes Prevention Act of 2009.

پانزدهم (ممنوعیت نفی حق رأی بر اساس شرایطی چون بردگی قبلی، رنگ و نژاد) قانون اساسی دانسته است (Smith, 2010: 2)؛ این در حالی است که قانون‌گذار ایران با تصویب قانون مجازات تبلیغ نژادی مصوب ۱۳۵۶^۱ و ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی، مؤلفه‌های محدودی را در مفهوم جرم ناشی از نفرت پذیرفته است؛ به این معنی که در قانون مجازات تبلیغ نژادی مصوب ۱۳۵۶ صرفاً مؤلفه‌های نژاد، جنس، رنگ و قومیت مورد پذیرش قرار گرفته است. پس از وضع قانون مذکور که قانونی محدود بود، وقوع حوادث^۲ گوناگونی موجب گردید که قانون‌گذار مقررهای هرچند ناقص را تحت عنوان ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی^۳ مصوب بیست و چهارم دی ماه ۱۳۹۹ الحاقی به قانون مجازات اسلامی در راستای جرم ناشی از نفرت به رسمیت بشناسد، سیاست‌گذاران کیفری ایران با وضع این مقرر در زمانی که این جرم تقریباً در تمامی نظام‌های حقوقی جهان^۴ با گستره قابل توجهی از مؤلفه‌ها

۱. گرچه این قانون به صورت آشکار به جرایم ناشی از نفرت نپرداخته است و عناصر جرایم ناشی از نفرت در آن به صورت کامل موجود نیست، لیکن به عنوان یک قانون پیرامونی و حامی که می‌تواند ذهنیت سیاست‌گذاران را به سمت افزایش گستره جرایم ناشی از نفرت سوق دهد و از طرفی موجب پیشگیری از اقدامات موجب ارتکاب جرایم ناشی از نفرت گردد حائز اهمیت است.

۲. حادثی چون توهین به قوم ترک در برنامه فتنه در تلویزیون در تاریخ پانزدهم آبان ۱۳۹۴ (خبرگزاری مهر، ۲۴ آبان ۱۳۹۴، کد خبر ۲۹۶۷۱۷۶)، توهین به قوم لر در برنامه شام آخر تلویزیون در تاریخ هفدهم آذر ۱۳۹۹ (خبرگزاری تسنیم، ۱۸ آذر ۱۳۹۹، کد خبر ۲۴۰۵۷۶۴)، توهین به قوم بختیاری در سریال سرزمین کهن (روزنامه جوان، ۲۶ بهمن ۱۳۹۲، کد خبر ۶۳۴۱۰۵) که گرچه وقوع جرم توهین در این موارد نیازمند اثبات در مراجع قضایی است و تردیدهایی از جانب افراد مختلف راجع به تحقق جرم توهین در این موارد بیان شده است، لیکن به دلیل حساسیت‌های به وجود آمده در سال‌های پیش از تصویب این قانون و در راستای وحدت ملی، قانون مذکور به تصویب رسید.

۳. «هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود.»

۴. از جمله این کشورها عبارت است از: آمریکا، انگلیس (مواد ۲۸ تا ۳۲ از قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸)، فرانسه (مواد ۷۶-۱۳۲ و ۷۷-۱۳۲ از قانون جزای فرانسه و مواد ۲۳ و ۲۴ از قانون آزادی مطبوعات جمهوری فرانسه ۱۸۸۱)، ایتالیا (ماده ۶۰۴ قانون جزای ایتالیا ۱۹۹۳ اصلاح شده در ۲۰۱۸)، اسپانیا (ماده ۲۳، ۱۷۰ و ۵۱۰ قانون جزای پادشاهی اسپانیا ۱۹۹۵ اصلاح شده در ۲۰۲۲)، آلمان (بخش ۴۶ قانون جزای آلمان ۱۹۹۸ اصلاح شده در ۲۰۲۱)، نروژ (بخش‌های ۷۷، ۲۷۲، ۲۷۴ و ۳۵۲ قانون جزای پادشاهی نروژ ۲۰۰۵ اصلاح شده در ۲۰۲۰)، سوئد (فصل ۲۹ از بخش ۲، فصل ۱۶ بخش ۸ قانون جزای سوئد ۱۹۶۲ اصلاح شده در ۲۰۱۸)، لهستان (مواد ۵۳، ۱۱۹، ۲۵۷ قانون جزای لهستان ۱۹۷۷ اصلاح شده در ۲۰۲۲)، فنلاند (بخش ۵ قانون جزای فنلاند ۲۰۲۳)، دانمارک (بند ۶ بخش ۸۱ قانون جزای پادشاهی دانمارک ۲۰۰۸ اصلاح شده در ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲)، هلند (ماده ۱۳۷

به رسمیت شناخته شده بود، رویکردی حداقلی را در پیش گرفتند؛ در حالی است که وقوع متعدد جرائم ناشی از نفرت با مؤلفه‌های مختلف^۱ اقتضای گسترش مفهومی این جرم را دارد. از طرفی به نظر می‌رسد قانون‌گذار در قانون مجازات تبعیض نژادی ۱۳۵۶ «گروه» را ناظر بر کلیت یک قوم، جنس، نژاد و یا رنگ خاصی دانسته و لذا استناد به این قانون برای مواردی که شخص خاصی مخاطب چنین عملی قرار گیرد فاقد وجاهت قانونی است. قانون دیگری که می‌توان آن را پیشرو در به رسمیت شناختن جرایم ناشی از نفرت دانست قانون مطبوعات ۱۳۶۴ است که به موجب بند ۵ ماده ۶ (الحاقی ۱۳۷۷) توهین به جنس زن را از طریق نشر مطالب در مطبوعات جرم دانسته است. یکی دیگر از مقرراتی که مؤلفه‌های جرائم ناشی از نفرت را مورد اشاره قرار داده است، بند ۱ ماده ۶۷ مقررات انضباطی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۷/۱۲/۱۹ مصوب مجمع عمومی فدراسیون فوتبال است که بیان داشته است: «هر شخص مشمول این مقررات که ارزش‌های انسانی یک شخص یا گروه را از طریق الفاظ تحقیرآمیز یا به دلیل رنگ پوست، نژاد، زبان یا قومیت، مذهب و مواردی از این قبیل مورد خدشه و تعرض قرار دهد، چنان‌چه بازیکن یکی از مقامات رسمی یا یکی از مقامات رسمی مسابقه باشد، متحمل محرومیتی به میزان حداقل پنج مسابقه و حداقل سیصد میلیون ریال جریمه نقدی خواهد شد». این مقرر

قانون جزای پادشاهی هلند (۱۸۸۱ اصلاح شده ۲۰۰۷)، اتریش (ماده ۳۳ اصلاح شده در سال ۲۰۱۵ و ماده ۲۸۳ اصلاح شده در ۲۰۲۰) و قانون جزای اتریش ۱۹۷۴ اصلاح شده ۲۰۲۰.

۱. از جمله این وقایع عبارتند از: اذیت و آزار اتباع خارجی، به طور مثال ضرب و شتم اتباع افغانستانی در قزوین (پایگاه خبری - تحلیلی تپتر قزوین، ۲۰ مهر ۱۴۰۲، کد خبر ۱۴۵۰۴) و کلاردشت (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳ مهر ۱۴۰۲، کد خبر ۸۵۲۴۸۹۳۰)؛ اسیدپاشی بر روی زنان از جمله در تهران در تاریخ مرداد ۱۳۹۱ که در اظهارات متهم آمده است «از دو سال قبل تصمیم به پاشیدن اسید بر روی زنان گرفتم» (پایگاه خبری تابناک، ۵ اسفند ۱۳۹۱، کد خبر ۳۰۴۷۰۴) همانطور که معلوم است چنین متهم یا متهمانی جنسیت را هدف گرفته‌اند نه شخص یا هویت خاصی را، حتی در برخی پژوهش‌ها انگیزه نفرت را یکی از انگیزه‌های مهم اسیدپاشی بیان کرده‌اند (ابراهیمی و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۳۱)؛ تمسخر افراد معلول در رسانه‌های دیداری و شنیداری و مطبوعات (عبداللهی، ۱۳۹۷: ۴۹-۴۴)، نمونه جدید آن تمسخر افراد معلول توسط مجری یکی از برنامه‌های شبکه نسیم در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۴۰۲ می‌باشد. (سایت خبری - تحلیلی انتخاب، ۱ اسفند ۱۴۰۲، کد خبر ۷۶۵۶۸۷)؛ ممنوعیت برای افراد ترنس که مصداق بارز جرم ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ یعنی سلب آزادی شخص و محرومیت از حقوق مقرر در قانون اساسی می‌باشد، نمونه بارز این ممنوعیت، جلوگیری از حضور این افراد در اطراف تئاتر شهر تهران می‌باشد که از جانب شهرداری تهران اتخاذ شده است (روزنامه آسیا نیوز ایران، ۱۵ اسفند ۱۴۰۲، کد خبر ۲۰۳۱۱).

از جمله مقررات فوقانونی است و صرفاً در قلمرویی خاص قابلیت اجرا دارد، لیکن از آنجایی که برای اولین بار در مضمون تعریفی از جرم ناشی از نفرت را ارائه کرده است حائز اهمیت می‌باشد. در این قانون بیشتر مؤلفه‌های مبتنی بر ویژگی‌های متفاوت انسان‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است.

یکی دیگر از تلاش‌های قانون‌گذار کیفری ایران برای تثبیت جنسیت به عنوان یک مؤلفه مهم در تعریف جرم ناشی از نفرت، ماده ۲۸^۱ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت است که البته به تصویب مجلس نرسیده و به قانون تبدیل نشده است؛^۲ بنابراین در نظام حقوقی آمریکا مؤلفه‌های بیشتری ذیل عنوان جرم ناشی از نفرت مورد پذیرش قرار گرفته است که البته در نظام حقوقی ایران بنا به دلایلی چون وجود اصل چهارم قانون اساسی و احتمال تلقی کردن مخالفت بعضی از مؤلفه‌ها با قانون اساسی و نیز این تصور که قانون‌گذار با وجود جرم‌انگاری‌های عام نیازی به جرم‌انگاری جرم ناشی از نفرت با مؤلفه‌های خاصی نداشته، مؤلفه‌های محدودی ذیل این جرم به رسمیت شناخته شده است.

۲-۱-۱. گستره اعمال مجرمانه موجب تحقق جرم ناشی از نفرت

یکی از ارکان جرم ناشی از نفرت، ارتکاب یک عمل مجرمانه علیه افراد یا گروه‌های دارای ویژگی‌های متفاوت است؛ به این معنی که برای تحقق این جرم، در کنار نفرت از یک ویژگی متفاوت مانند جنسیت، نژاد و رنگ، مرتکب باید یک عمل

۱. ماده ۲۸- «هر کس به اعتبار جنسیت یا موقعیت آسیب‌پذیر یا نوع رابطه، مرتکب یکی از جرائم مقرر در این قانون علیه زنی شود، به شرح مواد مندرج در این فصل مجازات می‌گردد و چنانچه با همین وصف مرتکب هر یک از جرائم موضوع مواد (۵۹۷)، (۶۰۸)، (۶۱۲)، (۶۱۴)، (۶۱۹)، (۶۲۲)، (۶۲۳)، (۶۳۹)، (۶۶۹)، (۶۹۷)، (۷۰۰) و (۷۱۳) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده)- مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، مواد (۷۴۳) و (۷۴۵) قانون مذکور (از فصل جرائم رایانه‌ای)، مواد (۱۲۶)، (۱۲۷) و (۵۶۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی و مواد (۲) و (۳) قانون قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ شود، به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌شود.»

۲. این لایحه در دی ماه ۱۳۹۹ به تصویب هیأت وزیران رسید و متعاقباً در آذرماه ۱۴۰۱ کلیات این لایحه به تأیید مجلس شورای اسلامی رسید، لیکن در مجلس علاوه بر تغییر عنوان لایحه به «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» تغییراتی در محتوای لایحه نیز انجام گرفت. با این حال لایحه سابق در شهریور ۱۴۰۳ مجدداً به تصویب هیأت وزیران رسید و برای تصویب به مجلس ارسال گردید، لیکن در تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ با این استدلال که تغییرات اساسی در ساختار و ماهیت آن در فرایند رسیدگی در مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است توسط رئیس جمهور مسترد گردید.

مجرمانه را که در قوانین کیفری حاکم جرم شناخته می‌شود انجام دهد (Petrosino, 2015: 4)؛ به طور مثال، ارتکاب توهین، ضرب و جرح و دیگر جرائم با انگیزه نفرت از یک ویژگی متفاوت از قربانی.

در حقوق کیفری آمریکا در برخی از قوانین مرتبط با جرم ناشی از نفرت به صورت عام از عبارت آسیب (در قانون حقوق مدنی ۱۹۶۸) یا به صورت مطلق از عبارت جرم (در قانون کنترل جرایم خشونت‌آمیز و اجرای قانون ۱۹۹۴) یا تعداد جرایم پایه در برخی از قوانین مانند قانون پیشگیری از جرایم ناشی از نفرت متیو شپرد و جیمز برد جونور ۲۰۰۹ استفاده شده است؛ به این معنی که انجام طیف وسیعی از جرائم موجود در زرادخانه حقوق کیفری آمریکا با انگیزه تنفر از ویژگی‌های شناخته شده در قوانین، موجب تحقق جرم ناشی از نفرت می‌شود، اما قانون‌گذار ایران اعمال مجرمانه خاصی را همراه با انگیزه نفرت موجب تحقق جرم ناشی از نفرت دانسته است. در قانون مجازات تبلیغ نژادی ۱۳۵۶ جرم ممنوعیت نشر هر نوع افکار مبتنی بر تبعیض با انگیزه تنفر از ویژگی‌های مذکور در همان قانون به عنوان جرم ناشی از نفرت مورد شناسایی قرار گرفته است؛ همچنین در ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی صرفاً جرم توهین همراه با انگیزه تنفر از ویژگی‌های متفاوت در ماده مذکور در قلمرو جرم ناشی از نفرت قرار گرفته است. همچنین بند ۵ ماده ۶ (الحاقی ۱۳۷۷) قانون مطبوعات ۱۳۶۴ صرفاً جرم توهین را به عنوان جرم پایه مقرر داشته است. تنها مقرره‌ای که جرم پایه جرم ناشی از نفرت را گسترش داده است، بند ۱ ماده ۶۷ مقررات انضباطی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۹۷ است به این معنی که خدشه و تعرض به ارزش‌های انسانی که عبارتی عام است و تمامی جرائم را در بر می‌گیرد، اگر بر اساس ویژگی‌های چون جنس یا نژاد باشد، موجب تحقق جرم ناشی از نفرت است؛ با این حال گستره این قانون صرفاً در رابطه با بازیکنان فوتبال، مقامات رسمی و مقامات رسمی مسابقه می‌باشد.

۳-۱-۱. پویایی مفهومی

تغییرات اجتماعی و لزوم قانون‌گذاری برای سامان دادن به شرایط حاکم بر جوامع و نیز افزایش توان بازدارندگی سیاست‌گذاری‌ها، مستلزم آن است که قوانین کیفری خصوصاً در مورد احترام به ویژگی‌های متفاوت افراد، متناسب با شرایط

موجود در جوامع تغییر یابد. مفهوم حقوقی، محدود به تعاریف موجود در قوانین وضع شده نیست، بلکه فراتر از آن می‌باشد؛ از این رو باید در طول زمان پویایی خود را حفظ کند. در ایالات متحده با وجود قوانین خاص راجع به جرم ناشی از نفرت پس از شیوع کرونا در سال ۲۰۲۰، جرائم ناشی از نفرت خصوصاً علیه آمریکایی آسیایی‌ها به این دلیل که منشأ این بیماری از آسیا بود افزایش یافت؛ به همین دلیل قانون‌گذار ایالات متحده قانون جرائم ناشی از نفرت کووید ۱۹^۱ را در تاریخ بیستم می ۲۰۲۱ برای ایجاد حساسیت بیشتر در حمایت از اقلیت‌ها و نیز حمایت و پوشش کمبودهای قوانین موجود و پیشگیری از افزایش جرائم تصویب نمود (Yang, 2023, 3525 & Han, et al, 2023). در این قانون تعریف مستقلى از جرم ناشی از نفرت ارائه نشده و به تعاریف موجود در بخش‌های ۲۴۵، ۲۴۷ و ۲۴۹ عنوان ۱۸ گد ایالات متحده آمریکا و بخش ۹۰۱ قانون حقوق مدنی ۱۹۶۸ ارجاع داده شده است. جدیدترین قانون تصویب شده در مورد این جرم، قانون ضد لینچینگ امت تایل^۲ است که در سال ۲۰۲۲ تصویب شده و لینچ کردن^۳ را به عنوان یک جرم ناشی از نفرت به رسمیت شناخته است؛ بنابراین به موجب این قانون، گستره مفهومی جرائم ناشی از نفرت افزایش یافت. موضوع مهمی که در مورد وضعیت مفهوم رسمی جرم ناشی از نفرت باید بیان شود، وجود لوايح متعدد در رابطه با جرم ناشی از نفرت مانند قانون کمک به قربانیان جرائم ناشی از نفرت (۲۰۲۱)، قانون آموزش علیه جرائم ناشی از نفرت (۲۰۲۱) و قانون پیشگیری از جرائم ناشی از نفرت ضد یهودی است که با تصویب این قوانین، سیاست‌گذاری در مورد این جرم افزایش یافت و پویایی مفهومی آن نیز حفظ شد؛ این در حالی است که در حقوق کیفری ایران قانون جامعی راجع به جرم ناشی از نفرت وجود ندارد و فاصله بین دو مقررہ حداقلی یعنی قانون مجازات تبلیغ نژادی مصوب ۱۳۵۶ و ماده ۴۹۹ مکرر که در سال ۱۳۹۹ به قانون مجازات اسلامی الحاق شده است، با وجود وقایع ارتكابی متعدد علیه افراد یا گروه‌های دارای ویژگی خاص، حدود نیم قرن است که در حالت ایستایی به سر می‌برد؛ لذا مفهوم جرم ناشی از نفرت در ایران فاقد پویایی لازم در جهت برآورد کردن اهداف

1. covid-19 hate crimes Act

2. Emmett till Anti Lynching Act

3. Lynching

قانون‌گذاری چون بازدارندگی در حقوق کیفری است.

۴-۱-۱. کارآمدی در نظام عدالت کیفری

یکی از نتایج مشخص شدن مفهوم جرم ناشی از نفرت تأثیرگذاری بر بهبود عملکرد نظام عدالت کیفری (پلیس و مراجع قضایی) است؛ به این معنی که نظام عدالت کیفری اگر با مفهومی مبهم از این جرم روبه‌رو باشد، کارآیی کمتری در شناسایی افراد یا گروه‌های دخیل در جرم ناشی از نفرت (مرتکب، قربانی و گروه‌های حامی مرتکب و قربانی) خواهد داشت. در نظام حقوقی آمریکا مفهومی عام و همه شمول از این جرم ارائه شده است و این عام بودن مفهوم، توان تشخیص نیروهای پلیس در جهت شناسایی جرم ناشی از نفرت را بالا می‌برد و دادگاه را به عنوان بازوی اصلی عدالت کیفری در رسیدگی با مشکل ابهام در مصادیق جرم ناشی از نفرت مواجهه نمی‌کند. در نظام حقوقی ایران با وجود دایره محدود شناسایی شده از جرم ناشی از نفرت قانون‌گذار به‌ویژه در ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی با بیانی روشن از ادیان الهی و مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی (مذاهب تشیع، حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی) و اقوام ایرانی که امری عرفاً روشن است یاد کرده است که موجب گردیده بازوهای عدالت کیفری هم در تشخیص این جرم و هم در مورد حکم قرار دادن آن با مشکلی مواجه نشوند؛ با این حال نقدی که بر قانون‌گذار کیفری ایران در ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی وارد است، اضافه کردن قصد «ایجاد خشونت و تنش در جامعه یا علم به آن» به انگیزه نفرت است که ذاتی و لازمه جرم ناشی از نفرت می‌باشد. بدون تردید گنجانیدن چنین قصدی عملکرد دستگاه عدالت کیفری را در رابطه با این جرم با مشکل مواجه می‌کند و عاملی برای بی‌کیفرماندن بسیاری از رفتارهایی می‌شود که واقعاً جرم ناشی از نفرت می‌باشند؛ بنابراین با وجود این قیود، قانون‌گذار دغدغه حمایتی نداشته است (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۳۳).

۵-۱-۱. بزه‌دیده‌محوری

غایت سیاست‌گذاری‌های کیفری سوق دادن سیاست‌ها به سمت و سوی حمایت گسترده از افرادی است که در معرض قربانی شدن ناشی از اعمال مجرمانه هستند؛ حال احتمال قربانی شدن افراد دارای ویژگی‌های متفاوت به نسبت دیگر

افراد یا گروه‌هایی که نسبت به پیرامون خود ویژگی‌های متمایزی ندارند بیشتر است (Iganski, Lagou, 2014, 44). به همین دلیل مفاهیم ارائه شده در قوانین کیفری از جرم ناشی از نفرت، شاخصه مهمی در تشخیص هدف مقررات قانونی در جهت حمایت از بزه‌دیدگان می‌باشد. از طرفی «بیان مفهوم جرائم ناشی از نفرت معادل برجسته‌سازی و تأکید بر قربانی است» (چاکرابورتی و گارلند، ۱۴۰۲: ۳۰). حال سؤال این است که چگونه مفاهیم ارائه شده از جرم ناشی از نفرت می‌تواند شاخصه مهم بزه‌دیده‌محوری را تأمین نماید. بدون تردید مفاهیم ارائه شده از جرم ناشی از نفرت با شناسایی گسترده دو موضوع مؤلفه‌ها و اعمال مجرمانه پایه ارتکاب جرم ناشی از نفرت می‌توانند مسیر بزه‌دیده‌محوری که مبتنی بر بازدارندگی و پیشگیری از تکرار جرم علیه افراد با ویژگی متفاوت است را طی نمایند. قانون‌گذار آمریکا با ارائه مفهومی گسترده از حیث مؤلفه‌ها و جرائم پایه، رویکردی بزه‌دیده‌محور در پیش گرفته است؛ چرا که ارائه مفهومی گسترده از یک جرم جدید در کنار ایجاد حساسیت سیاست‌گذاران در حمایت از قربانیان بالقوه جرم ناشی از نفرت، از طریق مجازات و دیگر واکنش‌های غیر کیفری پس از اعمال مجرمانه تکرار بزه‌دیدگی و بزه‌دیدگی مکرر افراد دارای ویژگی متفاوت را به حداقل می‌رساند. در حقوق کیفری ایران با وجود شناسایی چندین مؤلفه مانند نژاد، جنس و قومیت، از آنجایی که عمل مجرمانه پایه را به چند عنوان خاص مجرمانه مانند توهین محدود دانسته است، نمی‌توان انتظار برآورده شدن سیاست حمایت از بزه‌دیدگان بالقوه و بالفعل را از آن داشت.

۱-۲. شاخصه‌های علمی

۱-۲-۱. نوآوری در تحلیل

شاید بتوان وجود منطق و دلایل عقلی را موجب تمایز بین تقلید و نوآوری در ارائه مفهوم از جرم ناشی از نفرت در نظام‌های حقوق دانست. بحث راجع به جرم ناشی از نفرت برای نخستین بار در ایالات متحده آمریکا مطرح شد و لذا ادبیات حقوقی این جرم در کشور آمریکا بسیار غنی است، با این حال به دلیل پویایی مفهوم جرم ناشی از نفرت و هم‌پوشانی^۱ آن با برخی دیگر از مفاهیم مانند

1. overlap

تعصب، ارائه تعریفی که مورد قبول تمامی اقشار دخیل در امر سیاست‌گذاری و یا دانشگاهی قرار گیرد دشوار است و لذا تعاریف متعدد و مختلفی از این جرم ارائه شده است (چاکرابورتی، گارلند، ۱۴۰۲: ۲۳). در برخی از تعاریف ارائه شده از جانب نویسندگان دایره جرم ناشی از نفرت شامل ارتکاب هر جرمی با انگیزه نفرت از ویژگی‌های متفاوت می‌باشد (Jacobs, Potter, 1996: 366, Jacobs, Henry, 1997: 2, گریستنفلد، ۱۴۰۱: ۳۰-۳۱) برخی نویسندگان (Craig, 2002: 86) حتی دامنه مفهوم جرم ناشی از نفرت را فراتر از ارتکاب اعمال مجرمانه همراه با نفرت دانسته‌اند و ارتکاب «رفتارهای غیر قانونی» که شامل جرم و تخلفات است را موجب تحقق جرم ناشی از نفرت دانسته‌اند، امری که نتیجه گسترش علم جرم‌شناسی در آمریکا و توجه به آسیب اجتماعی‌شناسی^۱ است. این پیشگامی نظام حقوقی و دانشگاهی آمریکا در به تحلیل گذاشتن مفهوم جرم ناشی از نفرت لاجرم نویسندگان سایر نظام‌های حقوقی من جمله ایران را به تقلید از الگوی مفهومی ارائه شده از جانب نویسندگان آمریکایی سوق داده است به همین دلیل با وجود این که بیشتر نویسندگان ایرانی نیز ارتکاب جرم با انگیزه نفرت علیه گروه‌ها و اقلیت‌ها را لازمه تحقق جرم ناشی از نفرت دانسته‌اند (صادقی، ۱۴۰۱: ۲۳، قورچی بیگی، رضائیان کوچی، ۱۳۹۹: ۲۱۸، دارابی، ۱۳۹۵) برخی از نویسندگان بدون توجه به قوانین و شرایط حاکم بر جامعه انجام «هر عملی» را با انگیزه نفرت از افراد دارای ویژگی متفاوت موجب تحقق جرم ناشی از نفرت دانسته‌اند (شیروی، ۱۳۹۹: ۱۷۸) این در حالی است که رفتارهای خارج از محدوده حقوق کیفری در زمره حوادث ناشی از نفرت^۲ به عنوان

1. Zemiology

۲. shate incident یکی از موضوعات مهم در رابطه با جرم ناشی از نفرت تمایز آن از حادثه ناشی از نفرت است که نقطه ثقل آن به ماهیت و چگونگی تعریف جرم بر می‌گردد، به این معنی که این مقام قضایی است که تشخیص می‌دهد مرتکب همراه با نفرت قصد مجرمانه ارتکاب یک جرم را داشته است و یا این که چنین قصدی نداشته است. (Chaudhry, 2021: 66) در تعریف حادثه ناشی از نفرت بیان شده است که «هر حادثه‌ای که منجر به اقدام مجرمانه بشود یا نشود اما بر شخصی به عنوان قربانی یا هر شخص دیگری تحمیل بشود، به شکلی که آن حادثه ناشی از برانگیختن نفرت یا تعصب باشد، تحت عنوان حادثه‌ی مبتنی بر نفرت تعریف می‌شود» (چاکرابورتی، گارلند، ۱۴۰۲: ۲۳). در واقع هر اقدامی که ناشی از نفرت یا تعصب باشد ولی به سطح یک جرم نرسد به عنوان حادثه ناشی از نفرت تعریف شده است (International Association of Chiefs of Police, 2021: 3).

مقوله‌ای جدا از جرم ناشی از نفرت قرار می‌گیرند، گرچه این اقدام از حیث جرم شناسی حائز اهمیت است اما چرایی و فلسفه این کلی‌نگری که نتیجه ترجمه صرف و عدم توجه به شرایط اجتماعی، قانونی و فرهنگی جامعه است معلوم نمی‌باشد. موضوع دیگری که نویسندگان آمریکایی در بسط و گسترش مفهوم جرم ناشی از نفرت به آن پرداخته‌اند واقعی بودن یا تصور وجود ویژگی متفاوت در قربانی از جانب مرتکب است (Craig, 2002: 86) این موضوع بیانگر تلاش در جهت حمایت از قربانی جرم می‌باشد چرا که واقعی یا تصور وجود ویژگی متفاوت در قربانی نباید باعث گردد که مرتکب بی‌کیفر بماند. با این حال نویسندگان ایرانی (شیروی، ۱۳۹۹: ۱۷۸، صادقی، ۱۴۰۱: ۲۳، قورچی بیگی و رضائیان کوچی، ۱۳۹۹: ۲۱۸) صرفاً واقعی بودن وجود ویژگی‌های متفاوت در قربانی را لازم دانسته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در نظام حقوقی ایران نویسندگان تا حدودی درک درستی از حمایت و گروه‌های مورد حمایت در جرائم ناشی از نفرت ندارند؛ به این معنی که یا به صورت کلی از عباراتی نظیر گروه یا اقلیت و ... استفاده کرده‌اند و یا شرایط فرهنگ‌ی و مذهبی حاکم بر کشور را عامل خروج مفهومی برخی از گروه‌ها و ویژگی‌ها از شمول تعریف مذکور دانسته‌اند (قورچی بیگی، ۱۳۹۹: ۲۳۹)؛ این در حالی است که فلسفه جرم‌انگاری این جرائم حمایت از انسان‌هاست نه ویژگی‌های افراد؛ به این معنی که زمانی که صحبت از جامع الشمول بودن این جرم می‌شود، صحبت از حمایت حداکثری از تمامی افراد است تا هیچ فردی به صرف داشتن یک ویژگی متمایز مورد هدف رفتارهای مجرمانه قرار نگیرد. در واقع شمول جرم ناشی از نفرت ملازمه‌ای با به رسمیت شناختن ویژگی‌های مخالف فرهنگ و هنجارهای حاکم بر جامعه ندارد، بلکه غایت سیاست‌گذاری‌ها و حمایت‌های قانونی باید به گونه‌ای باشد که حتی افراد با داشتن ویژگی‌های مخالف با فرهنگ حاکم و یا فرض این‌که دارای آن ویژگی‌ها هستند قربانی نگردند. این رویکرد دانشگاهیان به جرائم ناشی از نفرت در کنار پیشینه کم و ادبیات محدود در رابطه با این جرائم نتیجه رویکردهای محافظه‌کارانه‌ای است که در بین حقوق‌دانان وجود دارد که البته قسمتی از این رویکرد محصول عدم درک فلسفه جرائم ناشی از نفرت و تحلیل کردن آن بر اساس متون ترجمه‌ای و عدم توجه به شرایط اجتماعی جامعه می‌باشد. موضوع مهم دیگر در رابطه با ضعف

دانشگاهیان در تحلیل مفهومی این جرم، در کانون توجه نبودن این جرم در مراکز دانشگاهی به دلایل مختلف من جمله فشار گروه‌های قدرت و ... می‌باشد، موضوعی که با وقوع مصادیق بارزی از آن به‌خصوص در سال‌های اخیر هم‌چنان به یک موضوع کانونی تبدیل نشده است.

۲-۱. انسداد یا امکان گسترش مفهوم جرم ناشی از نفرت

نویسندگان آمریکایی به دلایلی چون سوابق تاریخی تبعیض علیه ویژگی‌های متفاوت از جریان غالب جامعه، به رسمیت شناختن بسیاری از ویژگی‌های متفاوت در قوانین مختلف فدارل و ایالتی در آمریکا و در پیش گرفتن رویکردهای لیبرال^۱ و غیر محافظه‌کارانه از جانب ایشان مفهومی عام و همه شمول از جرم ناشی از نفرت را بیان نموده‌اند و این رویکرد منجر به پویایی مفهومی جرم مذکور در قانون‌گذاری‌های جدید شده است؛ با این حال اصطلاح جرائم ناشی از نفرت در گفتمان حقوقی ایران قدمتی تقریباً کمتر از دو دهه‌ای دارد و این سابقه متأثر از علل مختلفی از جمله جدید بودن شناسایی این جرم در منظومه جهانی حقوق بوده است؛ به این معنی که اولین پژوهش‌های رسمی و غیر رسمی در مورد این جرائم در دهه هشتاد میلادی در آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی به عنوان پیشگامان شناسایی و پژوهش در مورد این جرائم بوده‌اند انجام گرفته است. دلیل دیگر، اساسی‌سازی حمایت از برخی ویژگی‌های دینی، جنسی و ... در قانون اساسی و همچنین وجود گروه‌های فشار در جامعه از قبیل گروه‌های مذهبی و سایر گروه‌های مخالف اعتبار دادن برابر به برخی از اقلیت‌های موجود در جامعه از قبیل اقلیت‌های دینی و ... در جامعه می‌باشد. همین دلایل باعث گردیده که از طرفی نیازی به پژوهش و به رسمیت شناختن و عمومی سازی کردن جرمی تحت عنوان جرائم ناشی از نفرت نباشد و از طرفی جامعه دانشگاهی ایران بر اساس سیاست‌های محافظه‌کارانه خویش میلی به سمت بسط و گسترش مفهومی این جرم نداشته باشند. با این حال در یک دهه اخیر به دلیل آشنایی با پژوهش‌های خارجی و نیز وقوع اتفاقاتی در جامعه از جمله برخی توهین‌ها به اقوام از رسانه ملی و نیز اقداماتی علیه اتباع خارجی موجب گردید که گفتمان دانشگاهی هر چند به صورت سطحی به تحلیل جوانب مختلف این جرم بپردازد؛ با این حال

1. liberal approaches

تفاوت قابل توجهی در تعاریف ارائه شده از جانب ایشان وجود ندارد.

۲. گزاره‌های مفهوم‌ساز

در ذیل دو گزاره مهم مفهوم‌ساز یعنی بسترهای تاریخی و بسترهای سیاسی در مورد جرم ناشی از نفرت بررسی شده است.

۲-۱. بسترهای تاریخی

سیر جریان‌های تاریخی تأثیر غیر قابل انکاری را روی مفاهیم حقوقی می‌گذارند؛ چرا که مفاهیم در علوم اجتماعی به شدت متأثر از تحولات اجتماعی هستند. جرائم ناشی از نفرت هم در ایجاد و هم در تحولشان در سایه جریان‌های تاریخی معنا و مفهوم پیدا می‌کنند به عبارتی وجود و ماهیت آن‌ها ریشه در تحولات جامعه دارد. به طور مثال در آمریکا لااقل از قرن نوزدهم به بعد گروه غالب و مسلط در جامعه مسیحیان، سفیدپوستان، مردان، شهروندان متولد آمریکا، دگرجنس‌گرایان و ... بوده‌اند (Doane, 1997, 377) و این جریان اصلی در ابتدا در برابر هرگونه سهم‌خواهی و ابراز وجود گروه‌ها و عقاید متفاوت مقاومت کرده است لیکن وجود جریان‌ها، گروه‌ها و اندیشه‌های مخالف، وجود جریان‌های متفاوت با جریان اصلی را رقم زده‌اند و نتیجه آن تحولات قانون‌گذاری در حوزه جرائم ناشی از نفرت بوده است. جریان‌ها و وقایع تاریخی باعث می‌شوند که سیاست‌گذاران کیفری به عنوان متولی بخشی از سیاست‌گذاری عمومی جامعه به یکی از ابعاد تحولات و وقایع تاریخی عمیق‌تر بنگرند، بخشی که شامل نظم و امنیت اجتماعی و حمایت از حقوق افراد و گروه‌های است که دارای یک ویژگی متفاوت می‌باشند. با نگاهی به بسیاری از قوانین کیفری جهان آشکار می‌گردد که قوانین خاص و یا مقررات قانونی کیفری بعد از وقوع یک واقعه تاریخی و یا پشت سر نهادن تحولات مهمی بوده‌اند که سیاست‌گذاران کیفری را به چاره‌اندیشی و تدوین سیاست‌های رسمی ترغیب نموده است.^۱ در رابطه با جرائم ناشی از نفرت قوانین موجود در کشورها نه تنها متعاقب

۱. مانند قتل متیو شپرد و جیمز برد که منجر به تصویب قانون پیشگیری از جرائم ناشی از نفرت در تاریخ ۲۲ اکتبر ۲۰۰۹ در ایالات متحده آمریکا شد. این قانون باعث گردید که علاوه بر گسترش جرائم ناشی از نفرت در ایالات متحده، بودجه بیشتری برای مبارزه با اعمال خشونت‌آمیز بر اساس جنسیت اختصاص داده شود.

(https://www.law.cornell.edu/wex/matthew_shepard_and_james_byrd_jr_hate_crimes_prevention_act)

فراوانی رفتارهای ضد هنجار و نیز شکل‌گیری جریان‌های مختلف علیه انواع تفاوت‌ها و ویژگی‌های متفاوت، بلکه به دلیل یک واقعه علیه فرد یا گروه خاص دارای یک ویژگی متفاوت نیز شکل گرفته و می‌گیرند. نکته مهم این است که جرائم ناشی از نفرت به دلیل آن‌که جرم انگاری آن‌ها می‌تواند ارزش‌های اساسی برخی حکومت‌ها و گروه‌های قدرت را به چالش بکشد، با احتیاط بیشتری از جانب سیاست‌گذاران کیفری به عنوان یک موضوع «اولویت‌دار» مورد نظر قرار گرفته‌اند؛ چرا که جرم‌انگاری این جرم موجب می‌گردد که حکومت‌ها از برخی اصول و مواضع خود به عنوان گروه داری قدرت عقب‌نشینی نمایند و جدیتی از خود برای سیاست‌گذاری و از طرفی تلاش برای ارائه یک مفهوم روشن از این جرم نشان ندهند.

شکل‌گیری جنبش‌ها در جوامع از جمله مهم‌ترین عوامل سیاست‌گذاری در مورد جرائم ناشی از نفرت بوده و خواهد بود، جنبش‌هایی چون حمایت از حقوق زنان، حمایت از حقوق اقلیت‌های دینی و ... موجب شده است که نه تنها حقوق این اقلیت‌ها از جانب کشورها به رسمیت شناخته شود، بلکه ارتکاب جرائم سنتی با انگیزه تنفر از ویژگی‌های متفاوت این افراد از جانب گروه‌های دیگر به عنوان جرم ناشی از نفرت جرم‌انگاری شود و در واقع رسوبات این جریانات تاریخی موجب شکل‌گیری مفهوم امروزی جرم ناشی از نفرت شده است. این رسوبات تاریخی در جوامع امروزی ابتدائاً در قوانین اساسی به عنوان پشتیبان اصلی حقوق ملت‌شناسایی می‌شوند و البته به مرور و با توجه به تغییرات اجتماعی تغییراتی در اصول قانون اساسی در جهت تأمین حداکثری حقوق مردم ایجاد می‌شود. در ایالات متحده آمریکا وجود چندین متمم قانون اساسی به فراخور نیازهای روز و به تبع جریان‌های حقوق بشری در جهت تثبیت حقوق مردم تصویب گردیدند. به طور مثال متمم چهاردهم قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین متمم بعد از جنگ‌های داخلی که با هدف تثبیت نژادی در سالهای ۱۹۶۱-۱۹۶۵ واقع شدند در جهت حمایت از حق بر متفاوت بودن در نهم ژوئیه ۱۸۶۸ با هدف رفع تمامی تبعیض‌های قانونی و حمایت یکسان قوانین از تمامی شهروندان تصویب گردید. این متمم و برخی دیگر از متمم‌های قانون اساسی ایالات متحده مانند متمم‌های سیزدهم (لغو برده‌داری)، پانزدهم (تثبیت حق رأی برای تمامی شهروندان فارغ از تفاوت‌هایی چون نژاد و رنگ)، نوزدهم (شناسایی

حق رأی برای زنان) و ... بعد از جریان‌های تاریخی و فشارهای حقوق بشری اندیشمندان موجب گردیده که قوانین بعدی در جهت به رسمیت شناختن حقوق تمامی اقشار جامعه با ویژگی‌های متفاوت براساس این متمم‌ها تدوین شوند؛ بنابراین گسترش مفهومی جرم ناشی از نفرت در کشوری چون آمریکا در پرتو انعطاف قانون اساسی این کشور به راحتی امکان‌پذیر است. حال عمق فجایع تاریخی علیه گروه‌ها یا اقلیت‌ها و نیز میزان دخالت جنبش‌ها و یا گروه‌های حامی اقلیت در قدرت سیاسی خود عاملی است که سیاست‌های کیفری و نیز سیاست‌های عمومی در حوزه حمایت از اقلیت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در حوزه سیاست کیفری نیز سخت‌گیری یا عدم سخت‌گیری، تساهل یا عدم تساهل و گستردگی حمایت و ... خود تابعی از قدرت چانه زنی این جنبش‌ها و سیر تحولات تاریخی در رابطه با آن ویژگی‌های متفاوت انکار شده یا مورد تعرض قرار گرفته می‌باشد. مهمترین نقش این جریان‌ها و وقایع تاریخی در رابطه با جرائم ناشی از نفرت در پختگی یا عدم پختگی تعاریف ارائه شده از این جرم از جانب مقامات رسمی و نخبگان حوزه سیاستگذاری کیفری است. در واقع جامعیت و آینده نگری مفاهیم ارائه شده از چنین جرمی تابعی از میزان درک و تلاش در شناسایی ویژگی‌های متفاوت و نیز توجیه جریان‌های مخالف و گروه‌های رقیب برای در امان نگاه داشتن گروه‌ها و افراد دارای ویژگی متفاوت از اعمال مجرمانه می‌باشد. بنابراین «فهم جرائم نفرت در یک جامعه‌ای که مدعی گذر از تفاوت‌ها است در مقیاسی ملی، گفتمان سیاسی و محصولات فرهنگی تعریف ما از مفهوم جرائم نفرت را شکل می‌دهند.» (لوئیس، ۱۳۹۹، ۱۱).

جرم ناشی از نفرت یک پدیده مدرن و دستاورد دوران مدرن نیست (Petro- sino, 1999, 22) بلکه به مانند تمامی تبعیض‌ها ریشه در یک نظم خیالی دارد و این نظم در تمامی جوامع چه در عرف و چه در قوانین آن‌ها تا حدودی باقی‌مانده است (مانند حقوق نابرابر پیروان ادیان مختلف یا حقوق نابرابر زن و مرد و ...). این نظم خیالی که تا حدودی نتیجه عدم درک تفاوت‌ها بوده در دنیای امروز دارای پشتوانه سیاسی است. در واقع تفاوت‌های موجود در دنیای معاصر ریشه در همان نظم‌های خیالی دارد که در بسیاری از موارد فاقد پشتوانه عقلی و منطقی می‌باشد، نظم‌هایی که غالباً برتری را به جنس زن، به همکیشان و هم وطنان خویش و ... داده و غیر

خودی را نادیده و یا در بهترین حالت در مقامی مادون خود انگاشته است. «نظم خیالی که در سال ۱۷۷۶ در آمریکا برقرار شد، علی‌رغم ادعای برابری انسان‌ها، به استقرار نظام سلسله مراتبی انجامید: سلسله مراتب میان مردان و زنان که مردان از نعماتش بهره‌مند می‌شدند و زنان در آن فاقد قدرت بودند؛ سلسله مراتب میان سفیدپوستانی که از آزادی برخوردار بودند و سیاهان و سرخ‌پوستانی که انسان‌های پست‌تر قلمداد می‌شدند و ...» (نوح هراری، ۱۳۹۷: ۱۹۷-۱۹۸) استقرار این سلسله مراتب اعتبار قشر دارای قدرت و نیز تلاش آن‌ها برای تحمیل برتری فرضی خود بر گروه‌های ضعیف یا بدون قدرت یکی از عوامل شکل‌گیری مفهوم جرم ناشی از نفرت و نیز ایجاد گفتمان سیاستگذاری در مورد جرائم ناشی از نفرت شده است.

۲-۲. بسترهای سیاسی

مفاهیم حقوقی بیش از هر چیزی متأثر از نوع نظام سیاسی و جریان‌های قدرت در جامعه هستند، به این معنی که نوع نظام حاکم از مفاهیم حقوقی در جهت اعمال سیاست‌های کلان خود بهره می‌برد و از آنجایی که مفاهیم صرفاً تعریف ظاهری را شامل نمی‌شوند بلکه ورای ظاهر چگونگی عملکرد آن مفهوم است، حکومت‌ها از طریق مفهوم‌سازی سیاست‌های خود را پیش می‌برند. حال سؤال این است که تفاوت نظام‌های سیاسی در مفهوم‌سازی جرم ناشی از نفرت چه تفاوتی را در مفهوم این جرم ایجاد می‌کند؟ و به چه طریقی این مفهوم‌سازی بر پیکره سیاست کیفری پیاده می‌شود و مورد پذیرش قرار می‌گیرد؟ نکته مهم قابل ذکر این است که با وجود نظام‌های سیاسی مختلف، در این مقاله نظام‌های سیاسی را در دو گروه عمده نظام سیاسی باز (دموکراتیک) و بسته (غیردموکراتیک) قرار می‌دهیم، گرچه به دلیل مشکک بودن نظام‌های سیاسی هر کدام از این دو دسته خود دارای درجات مختلفی از مرام‌ها و اندیشه‌ها هستند.

مفهوم جرم ناشی از نفرت از آنجایی که خط مشی حکومت‌ها را در شناسایی و یا عدم شناسایی اقلیت‌ها نشان می‌دهد از اهمیت بسزایی در مفهوم‌گذاری در ادبیات حقوقی برخوردار است. در واقع حکومت‌ها بسته به میزان مماشات با اقلیت‌ها و پذیرش آن‌ها به عنوان بخش ذیحقی از جامعه رویکردهای متفاوتی را در مفهوم جرم ناشی از نفرت در پیش گرفته‌اند. البته موضوع مهمی که باید مورد توجه قرار

گیرد تمایز بین مفهوم ظاهری یا سیاسی جرم ناشی از نفرت یعنی مفهومی که توسط رسانه‌های جریان اصلی^۱ و سیاستمداران و تا حدودی قوانین بیان می‌شود با مفهوم ذاتی یا سیاستی جرائم ناشی از نفرت که بازگو کننده سیاستی است که همچنان معتقد به حفظ اکثریت (نژادی، زبانی، قومی، مذهبی، جنسیتی و ...) و گذر از تفاوت‌ها را نمی‌پذیرد، قائل شد. در حکومت‌های باز که معمولاً احزاب، گروه‌ها و جریان‌های متفاوتی وجود دارد و هر کدام داعیه حمایت از گروه یا عقاید متفاوت را به دوش می‌کشند رویکرد سیاستگذاران کیفری یک رویکرد مبتنی بر پذیرش کثرت‌گرایی، نسبی‌گرایی ارزشی و پذیرش اقلیت‌ها است (اکبری، ۱۳۸۸، ۱۵)، بنابراین مفهوم جرم ناشی از نفرت در چنین نظام‌هایی با گسترش قلمرویی پذیرش اقلیت‌های مختلف و امکان تغییر و اضافه شدن اقلیت‌های جدید در دایره آن می‌باشد. در واقع از آنجایی که حمایت از کثرت فرهنگی و اجتماعی و ابراز ویژگی‌های متفاوت به عنوان حق‌های بشر بر عهده حکومت است، از این حیث حکومت‌های دموکراتیک به عنوان یک نظام سیاسی بیشترین حمایت را از حقوق بشر به عمل می‌آورند (بیتم، ۱۳۸۳، ۱۴۷) و از آنجایی که یکی از جنبه‌های حمایت چنین نظامی حمایت کیفری است، این حمایت مستلزم مفهوم‌سازی مبتنی بر رعایت حقوق تمامی افراد دارای ویژگی‌های متفاوت می‌باشد که در نظام‌های سیاسی مبتنی بر اراده آحاد جامعه محقق می‌گردد. این در حالی است که در نظام‌های غیر دموکراتیک و بسته به دلیل وجود قدرت در دست یک گروه یا حزب با ویژگی‌ها متمایز از دیگران و یا احزاب بعضاً دارای ایدئولوژی ظاهراً متفاوت، رویکرد سیاستگذاران پذیرش و عملیاتی کردن یک مفهوم محدود و دارای شمول مضیق و صرفاً در حد محافظت از ویژگی‌های «خودی» و در بهترین حالت شمول حداقلی از اقلیت‌ها می‌باشد. در واقع در این نوع نظام «حق بر متفاوت بودن شهروندان منتفی است» (لازرژ، ۱۴۰۰: ۴۳). از طرفی در چنین نظام‌هایی بعضاً قوانین به دلیل تقلید از نظام‌های حقوقی پیشرو و یا سرپوش نهادن بر پاسخ به فشارهای گروه‌های خارج از قدرت و حامی اقلیت‌ها مفهوم موسعی با شمول گسترده را ارائه می‌دهند اما غایت چنین مفهومی نه حمایت از اقلیت‌ها بلکه دفع کردن فشارهای خارجی و داخلی علیه نظام و ایدئولوژی حاکم است. بنابراین

1. main stream

هر نوع تغییر در گستره جرم ناشی از نفرت چه در جهت تضییق یا گسترش آن در راستای خط مشی نظام‌های حاکم سیاسی می‌باشند.

موضوع مهمی که در تأثیر نظام سیاسی بر مفهوم جرم ناشی از نفرت باید مورد توجه قرارگیرد این است که بعضاً سیاست‌گذاران هدف از ارائه مفهوم برای چنین جرمی را حمایت کردن از برخی سیاست‌های سختگیرانه در حمایت از برخی اقلیت‌ها (خصوصاً اقلیت‌های سهمیم در قدرت سیاسی) می‌دانند. موضوع مهمی که در رابطه با نوع نظام سیاسی و مفهوم جرم ناشی از نفرت باید مد نظر قرار گیرد رویکرد «ایدئولوژی گذر از تفاوت‌ها»^۱ است (لوئیس، ۱۳۹۹، ۱۵)، که نظام‌های بسته با استفاده از ابزارهای قدرت مانند رسانه‌ها خود وجود تفاوت‌ها و اقلیت‌ها را انکار می‌کنند تا از یک طرف با استفاده از قدرت و نفوذ پوپولیسم مرهمی بر زخم گروه‌های اقلیت بگذارند و آن‌ها را «خودی» تلقی کنند و از طرفی رعب و وحشت ناشی از وقایع مجرمانه علیه اقلیت‌ها را کم رنگ جلوه دهند و از وظایف حاکمیتی خود در جهت حمایت از اقلیت‌ها چشم پوشی نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برآمد

مفهوم شناسی جرم ناشی از نفرت به دلیل این که در تعیین خط مشی سیاستگذاری و نیز شناخت قربانیان این جرم مؤثر است و از طرفی وجود چنین پدیده‌ای غیر قابل انکار است امری ضروری در سیاست‌گذاری کیفری در رابطه با این جرم می‌باشد. مهمترین عوامل و گزاره‌هایی که موجب ایجاد و تغییر مفهوم جرم ناشی از نفرت می‌شوند پیشینه تاریخی و زمینه‌های تبعیض و نابرابری و همچنین نوع نظام‌های سیاسی حاکم بر جوامع می‌باشند، چرا که نظام‌های سیاسی با جهت دادن به مفاهیم کیفری در پی پیاده سازی سیاست‌های کلان خود می‌باشند. مفهوم ارائه شده از جانب نویسندگان ایرانی از جرم ناشی از نفرت یک مفهوم «عقیم شده» است، به این معنی که یا محدوده این تعریف را به صورت واضح محدود به مؤلفه‌های خاص می‌دانند و یا این که هر چند با استفاده از عبارات کلی سعی در پذیرش گسترده تمامی مؤلفه‌های عامل تفاوت دارند اما به طور ضمنی مفهوم مضیق را اراده نموده‌اند. علت مهم دیگری که ادبیات حقوقی ایران در چنین وضعیتی به سر می‌برد ارائه تعاریف به صورت نظاره گرانه (مبتنی بر تقلید و الگوبرداری محض و فارغ از کند و کاوهای پیرامونی) و بدون تحلیل این جرم در بستر اجتماع ایران می‌باشد. در ایران از آنجایی که هنوز گفتمان منسجمی در مورد جرم ناشی از نفرت به عنوان یک مشکل مهم اجتماعی شکل نگرفته است مفهوم این جرم در قوانین بسیار محدود است و در نظر دانشگاهیان نیز در حد ترجمه متون خارجی باقی مانده است. این در حالی است که جرم ناشی از نفرت در ایالات متحده آمریکا یک مفهوم سیال دارد به این معنی که با وقوع حوادث (به طور مثال شیوع کرونا و وقوع جرائم علیه آسیایی‌ها در آمریکا و پیرو آن تصویب قانون جرم ناشی از نفرت کووید ۱۹) و یا جریان‌های خاص علیه اقلیت‌ها و ویژگی‌های متفاوت هم فضای دانشگاهی و هم سیاست‌گذاران سعی در تغییر و تحول مفهومی این جرم برای رسیدن به مقاصدی چون کاهش نرخ جرم و نیز حفظ یکپارچگی و جلوگیری از نارضایتی‌های عمومی را دارند. همچنین از آنجایی که نظام حقوقی آمریکا زیرمجموعه نظام کامن لا می‌باشد رویه قضایی خود عامل مهمی در نگه داشتن روند پویایی این جرم می‌باشد. مفهوم جرم ناشی از نفرت در ایالات متحده نه تنها متأثر از قوانین فدرال است بلکه ایالت‌های مختلف خود در توسعه و

تضییق این مفهوم نقش پررنگی دارند. مفهوم ارائه شده از جرم ناشی از نفرت در آمریکا برخلاف ایران یک مفهوم بزه دیده مدار است چرا که ویژگی‌های متفاوتی را مورد شناسایی قرار داده است و از طرفی انعطاف بیشتری برای تطبیق سیاست‌های حمایتی از اقلیت‌ها و ویژگی‌های متفاوت دارد. حال با توجه به مطالب مطرح شده و نیز تاریخ درخشان کشورمان که مملو از حمایت از اقلیت‌های دینی، قومی، زبانی و ... بوده و ضرورت ادامه دار بودن این روند درخشان تاریخی پیشنهادهایی به شرح ذیل در جهت قانونگذاری در مورد جرم ناشی از نفرت قابل ذکر است:

۱- قلمرو اعمال مجرمانه پایه باید از صرف جرم توهین به تمامی اعمال مجرمانه در مفهوم جرائم ناشی از نفرت گسترش یابد.

۲- مؤلفه‌های جرم ناشی از نفرت باید به تمامی ویژگی‌های متفاوت که انگیزه مرتکب برای ارتکاب جرم ناشی از نفرت می باشند افزایش یابد.

۳- از آنجایی که قانونگذاری فعلی در مورد جرائم ناشی از نفرت دارای ابهام مفهومی است، ضروری است که در جهت کمک به بازوهای عدالت کیفری (پلیس و مقام‌های قضایی) مفهومی دقیق‌تر از این جرم ارائه گردد.

۴- به دلیل اهمیت قانونگذاری جرائم ناشی از نفرت در ثبات اجتماعی و حفظ یکپارچگی کشور مقتضی است قانونی مجزا یا فصلی از قانون مجازات اسلامی به این جرائم اختصاص داده شود و مفاهیم پراکنده از این جرم در قوانین مختلف تابع یک نظم منسجم باشند.

۵- نباید شناسایی قانونی تفاوت‌های مبنای جرم ناشی از نفرت را حق تلقی نمود و به این دلیل که برخی از این تفاوت‌ها مخالف فرهنگ حاکم بر کشور می‌باشند مانعی برای قانونگذاری دانست، چرا که شناسایی این تفاوت‌ها نه تلقی حق بودن و رسمیت بخشیدن به آن تفاوت‌ها است بلکه اقدامی در جهت حمایت از این افراد در برابر قربانی اعمال مجرمانه شدن است.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- * ابراهیمی، مرضیه، میرحسینی، زهرا (۱۳۹۶). «مطالعه‌ی زمینه‌ها و انگیزه‌های اسیدباشی در بستر مناسبات جنسیتی و نابرابری‌های اجتماعی»، تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، (۷۲/۴)، ۹، ۳۹-۱.
- * اکبری، نورالدین (۱۳۸۸). «روابط عمومی در نظام‌های سیاسی دموکراتیک و غیر دموکراتیک»، ماهنامه علمی تخصصی انجمن روابط عمومی، شماره ۶۸، ۱۱-۲۱.
- * بیتام، دیوید (۱۳۸۳). دموکراسی و حقوق بشر، برگردان: محمدتقی دلفروز، تهران، نشر طرح نو.
- * چاکرابورتی، نیل، گارلند، جان (۱۴۰۲). جرم مبتنی بر نفرت آثار، علل، پاسخ‌ها، مترجم پیمان دولت خواه پاشاکی، تهران، انتشارات مجد.
- * دارابی، بهنام (۱۳۹۵). «جرائم ناشی از نفرت مذهبی»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، (۴۶)، ۱۲، ۵۶-۶۷.
- * رحیمی، محسن، شایگان فرد، مجید، شیخ الاسلامی، عباس (۱۴۰۲). «رویکرد حقوق کیفری ایران به آزادی عقیده و مذهب». مجله حقوقی دادگستری، (۱۲۳)، ۸۷، ۲۲۵-۲۴۴.
- * شیروی، مهسا (۱۴۰۰). «تبعی بر لزوم حمایت از سلامت معنوی زنان بزه‌دیده جرم‌های برخاسته از نفرت در سامانه عدالت جنایی»، تعالی حقوق، (۴)، ۶، ۱۷۰-۲۰۰.
- * شیخه، رضا، صفایی مقدم، مسعود، پاک سرشت، محمدجعفر، مرعشی، سید منصور (۱۳۹۹). «بررسی تحلیلی مبانی رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی»، روش‌شناسی علوم انسانی، (۱۰۳)، ۲۶، ۳۹-۵۵.
- * شیخ رضائی، حسین (۱۴۰۰). «نگاهی به متافیزیک رابطه «برساختن اجتماعی» و نسبت آن با طبیعی‌گرایی فلسفی» تاریخ علم، (۲)، ۱۹، ۴۱۳-۴۳۷.
- * صادقی، سالار (۱۴۰۱). بررسی حقوقی و جرم‌شناختی جرائم ناشی از نفرت (با تأکید بر مکتب جرم‌شناسی پست-مدرن)، تهران، انتشارات مجد.
- * صدراشراقی، سید ضیاءالدین (۱۳۸۶). کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان، تهران،

نشر اندیشه نو.

* عبدالهی، رضا (۱۳۹۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی قشربندی معلولیت در ایران: واکاوی نابرابری‌های اجتماعی افراد معلول، تهران، نشر دنیای اقتصاد.

* قورچی بیگی، مجید، رضائیان کوچی، محمدرضا (۱۳۹۹). «تحلیلی بر بایسته‌های سیاست کیفری بزه‌دیده‌مدار در جرائم ناشی از نفرت»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، (۳۲)، ۹، ۲۲۴-۲۱۳.

* کسن، موریس (۱۳۸۷). اصول جرم‌شناسی، مترجم میرروح الدین صدیق، تهران، نشر دادگستر.

* گرسنتفلد، فیلیپس (۱۴۰۱). جرائم مبتنی بر نفرت، مترجم سجاد اختری، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.

* لازرژ، کریستین (۱۴۰۰). درآمدی بر سیاست جنایی، مترجم علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.

* لوئیس، کلارا (۱۳۹۹). آیا در مورد جرائم نفرت‌محور سخت‌گیری می‌شود؟ سیاست‌های فرهنگی جرائم نفرت‌محور، مترجم: معاذ عبدالهی و بهار محمدی، تهران، نشر مهرکلام.

* میرمجیدی، سپیده، حبیب‌زاده، محمدجعفر، فرجیها، محمد، امیدی، جلیل (۱۳۹۵). «تحلیل برساخت‌گرایانه‌ی فرآیند جرم‌انگاری در ایران بر اساس نظریه واقعیت اجتماعی جرم». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، (۱۴)، ۴، ۱۴۵-۱۷۲.

* نوح هراری، یووال (۱۳۹۷). انسان خردمند، تاریخ مختصر نوع بشر، مترجم نیک گرگین، تهران، فرهنگ نشر نو.

ب. منابع انگلیسی

* Boram, Meredith (2016) "The Matthew Shepard and James Byrd, Jr., Hate Crimes Prevention Act: A Criminal Perspective," University of Baltimore Law Review: Vol. 45, 343-368.

* Craig, K. M. (2002). Examining hate-motivated aggression: A review of the social psychological literature on hate crimes as a distinct form of aggression. Aggression and Violent Behavior, 7(1),

85–101.

* Chaudhry, Irfan. (2021). **Making Hate Visible: Online Hate Incident Reporting Tools**. Journal of Hate Studies, 17(1), 64–73.

* Doane, A. W., Jr. (1997). **Dominant group ethnic identity in the United States: The role of "hidden" ethnicity in intergroup relations**. The Sociological Quarterly, 38(3), 375–397.

* Yang, Dillon B. (2023). **COVID-19 Hate Crimes: Why Hate Is Rising, and What the United States Can Do About it**, journal of legislation. Vol 49, Issue 1, 166-204.

* Han, S., Riddell, J. R., & Piquero, A. R. (2023). **Anti-Asian American Hate Crimes Spike During the Early Stages of the COVID-19 Pandemic**. Journal of interpersonal violence, 38(3-4), 3513–3533.

* https://www.law.cornell.edu/wex/matthew_shepard_and_james_byrd_jr_hate_crimes_prevention_act

* **International Association of Chiefs of Police (IACP)**, (2021). Investigation of hate crime. In: <https://www.theiacp.org/sites/default/files/2021-03/Hate%20Crimes%20Formatted%202021-03-23.pdf>

* Iganski, p., Lagou, s. (2014). **the personal injuries of “hate crime.”** in n. hall, a. corb & p. giannasi, et al. (eds.), the routledge international handbook on hate crime, Routledge.

* Jacobs, James B, Potter, Kimberly A. (1997). **Hate Crimes: A Critical Perspective Crime and Justice 22:** 1-50.

* James B. Jacobs and Jessica S. Henry, (1996). **The Social Construction of a Hate Crime Epidemic**, 86 J. Crim. L. & Criminology, 366-391.

* Krouse, William J (2009). **Hate crime legislation, congressional research service**. Available at: <https://digital.library.unt.edu/ark:/67531/metadc503369/>

- * Mason-Bish, Hannah (2015). **Future challenges for hate crime policy: lessons from the past in:** Neil. Chakraborti, **Hate Crime: Concepts, Policy, Future Directions**, New York, Routledge.
- * Naidoo, Kamban. (2016). **The origins of hate-crime laws.** *Fundamina*. Vol22.N 1, 53-66.
- * Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR). (2009). **Hate crime laws: A practical guide.** OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR). <https://www.osce.org/odihr/36426>
- * Petrosino, C Turpin. (2015). **Understanding hate crimes: Acts, motives, offenders, victims, and justice.** Routledge/Taylor & Francis Group.
- * Petrosino, C. (1999). **Connecting the Past to the Future: Hate Crime in America.** *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 15(1), 22-47.
- * Roberts, C., Innes, M., Williams, M., Tregidga, J., Gadd, D., & Cook, N. (Ed.) (2013). **Understanding who commits hate crime and why they do it.** (Welsh Government Social Research). Welsh Government.
- * Schweppe, Jennifer (2021). **What is a hate crime?** *Cogent Social Sciences*, 7:1.
- * Smith, Alison .M(2010). **Constitutional Limits on Hate Crime Legislation**, Library of Congress. Congressional Research Service.
- * Shattuck, John and Risse, Mathias (2021). **Reimagining Rights & Responsibilities in the United States: Freedom of Speech and Media.** HKS Working Paper No. RWP21-004, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3801268>
- * Shively, Michael (2005). **Study of literature and legislation on hate**

crime in America, national institute of justice(NIJ), (research report)
Available at: <http://www.ncjrs.gov/pdffiles1/nij/grants/210300.pdf>
* The Editors of Encyclopaedia Britannica (2025). Ku Klux Klan. En-
cyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/Ku-Klux-Klan>

پ. سایت‌های خبری

* خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳ مهر ۱۴۰۲، کد خبر ۸۵۲۴۸۹۳۰، قابل دسترسی
<https://irna.ir/xjNCC6> در:

* پایگاه خبری -تحلیلی تیتراز، ۲۰ مهر ۱۴۰۲، کد خبر ۱۴۵۰۴، قابل دسترسی
<https://www.titrqazvin.ir/news/14504> در:

* سایت خبری- تحلیلی انتخاب، ۱ اسفند ۱۴۰۲، کد خبر ۷۶۵۶۸۷، قابل دسترسی
<https://www.entekhab.ir/003DBn> در:

* روزنامه آسیا نیوز ایران، ۱۵ اسفند ۱۴۰۲، کد خبر ۲۰۳۱۱، قابل دسترسی در:
<https://www.asianewsiran.com/u/e9Z>

* خبرگزاری تسنیم، ۱۸ آذر ۱۳۹۹، کد خبر ۲۴۰۵۷۶۴، قابل دسترسی در:
<https://tn.ai/2405764>

* روزنامه جوان، ۲۶ بهمن ۱۳۹۲، کد خبر ۶۳۴۱۰۵، قابل دسترسی در:
<https://www.javanonline.ir/002exV>

* خبرگزاری مهر، ۲۴ آبان ۱۳۹۴، کد خبر ۲۹۶۷۱۷۶، قابل دسترسی در:
<https://www.mehrnews.com/xxdPD>

* پایگاه خبری تابناک، ۵ اسفند ۱۳۹۱، کد خبر ۳۰۴۷۰۴، قابل دسترسی در:
<https://www.tabnak.ir/001HGa>